

شهید شهربانو میرازی




ازبائری
سازمان جامع سوادداری و وزارت معیادستان بوشر

نام پدر	علی اصغر
تاریخ تولد	۱۳۰۴/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۶/۱۲/۲۶
محل شهادت	شیراز
مسئولیت	—
نوع عضویت	سایر (بمباران)
شغل	خانه دار
تحصیلات	دوره ابتدایی
مدفن	بوشهر

زندگینامه

زندگینامه شهید

سکینه سرمست از به دنیا آمدن نوزاد دختر، او را در آغوش می گرفت و لایلی های کودکانه در گوش دخترکش می خواند اما درست زمانی که شهربانو ۴ ساله شد مادر بر اثر بیماری برای همیشه کودکش را به خدا سپرد و در خواب ابدیت آرام گرفت و سهم ادامه زندگیش نامادری بود.

حال شهربانو ۱۶ ساله بود و به رسم آئین قدیم باید روانه ی خانه ی بخت می شد دست بر قضا او را به عقد مردی در آوردند که شهربانو همسر دومش بود و هیچ علاقه ای به او نداشت اما چاره ای جز صبر نداشت.

پس از گذشت چند ماه خداوند سهم مادر شدن را با به دنیا آمدن محمود به شهربانو عطا کرد و بهانه ای برای ادامه زندگیش شد؛ اما سختی ها و بی مهری های همسر راهی به جز جدایی پیش رویش نگذاشت و ناگزیر از زادگاهش به شهر آبادان مهاجرت کرد و در آنجا به شغل خیاطی مشغول شد.

پس از مدتی در تحمل سختی و مرارت های روزگار به دست سرنوشت الهی موجبات ازدواج او را با یک نظامی شهربانی به نام «حسن قاسمی زاده» فراهم شد حسن مردی شریف و اهل اهرم هم استانی خودش بود که اقتضای شغل، او را روانه آبادان کرده بود. شهربانو زنی آگاه بود که با حضور پیاپی در مراسم مذهبی و سخنرانی علما و بزرگان دین در آبادان بر علم و روشن بینی خود می افزود علاقه مندیش به مسائل سیاسی اجتماعی باعث شده بود که در همین مجالس سخنرانی علما اطلاعات زیادی درباره تبیین و تحلیل مسائل مملکتی روز کسب کند.

یکی از مهمترین مجالس که نقش مهمی در آشنایی او با نهضت حضرت امام خمینی (ره) داشت، مجلس وعظ آیت الله «جمی» بود که شهربانو و همسرش در نمازهای جماعت او شرکت می کردند و از این طریق جلسات، نسخه هایی از اعلامیه های حضرت امام را به دست می آوردند و به تایپ و انتشار آن می پرداختند.

درست زمانی که شهربانو ۴۹ ساله شد و شیرینی زندگی را با هفت فرزندش می چشید همسرش «حسن» در اثر تصادف با یک راننده مست ارمنی دار دنیا را وداع گفت.

وی با وجود نداشتن سواد خواندن و نوشتن اما با فهم عمیقی که از مسائل سیاسی و نهضت حضرت امام خمینی (ره) پیدا کرده بود، این رسالت را پیش از پیروزی انقلاب با بیانی شیوا و رسا با حضور در تجمع های جوانان و مردم در کوچه و خیابان و گفتگو با آنان و یا با نشر اعلامیه به دست مردم روشنگری و آگاه سازی می کرد.

شهربانو با قرار دادن اعلامیه های حضرت امام خمینی (ره) در اختیار دختران خود به صورت مخفیانه و نوبتی از شب تا صبح آنها را به وسیله دستگاه تحریر دخترش فریده تایپ می کردند و خودش پس از خواندن نماز صبح با مراقبت کامل به بهانه خرید نان در پخش آنان اقدام می کرد.

روش مبارزاتی شهربانو چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن، گرچه به صورت نبرد مستقیم و نظامی نبود اما تبلیغ و تبیین اهداف حضرت امام به منظور تشکیل حکومت اسلامی و باورسازی مردم و جوانان از توانمندی این حکومت برای رویارویی با ظلم و فساد، از اهمیت دو چندانی برخوردار بود و شهید با باور محکم، عمیق و اثر گذار خود، نقش بسیار بارزی در این زمینه داشت.

دخترانش در همراهی مادر در تجمعات و در تایپ اعلامیه های حضرت امام (ره) شهادت بالایی از خود نشان می

دادند و پس از پیروزی انقلاب نیز در زمان جنگ هشت ساله آنان فعالیت از قبل به ادامه ی این رسالت می پرداختند.

شهربانو این شیر زن شجاع و عاشق امام و انقلاب توانسته بود با سرمایه ی ایمان و عمل خود تمامی خانواده ی خود را برای مجاهدت در راه اسلام راهی این مسیر خطیر کند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گوش به فرمان حضرت امام بود و در تمامی صحنه های انقلاب، حضوری پررنگ و فعال داشت. با تشکیل بسیج به فرمان تاریخی حضرت امام راحل جز اولین کسانی بود که به عضویت در این نهاد مقدس درآمد.

وی سازماندهی فعالیت های ستاد پشتیبانی جبهه و جنگ را برعهده داشت چند ماه پیش از شروع جنگ به شیراز مهاجرت کرد و به همراه خانواده ی پسرش «بهرام» در خیابان «ولیعصر» پشت بیمارستان شهید «بهشتی» شیراز یک ساختمان دو طبقه ساکن شد.

این زن صبور و شجاع در مراسم تشییع شهدا در شیراز سخنرانی و مردم را به مقاومت و دفاع از اسلام تشویق می کرد و از مجروحین مراقبت و پرستاری می کرد.

سرانجام شهربانو این زن مومن و انقلابی و عروس مؤمنش «فریده آل سیاح» و دو نوه هایش «زهره و حسام قاسمی زاده» در ۲۶ اسفند سال ۱۳۶۶ در بمباران هوایی دشمن بعثی در شیراز، شهد شیرین شهادت را نوشیدند و در گلزار شهدای بهشت صادق (ع) شهر بوشهر آرام گرفت.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران